

جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل*

دکتر قادر بایزیدی**، دکتر ایرج اعتصام***، دکتر فرح حبیب****، دکتر مصطفی مخابراتی امرئی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۴

چکیده

جهانی‌سازی فرایندی پیچیده و چند وجهی است که فشردگی فزاینده زمان و مکان و سرعت بخشی تعاملات بین‌فرهنگی را سبب شده، همسانی و همگونی را تداعی می‌کند. منطقه‌گرایی دیدگاهی تحلیلی و انتقادی است که بر حفظ ویژگی‌های خاص مکان و برجسته نمودن تفاوت‌ها، تأکید دارد. مقاله می‌کوشد تا از رهگذر مطالعه و تدقیق دو فرایند جهانی‌سازی و رویکردهای نوین منطقه‌گرایی، نوع رابطه میان آنها در اثرگذاری بر معماری معاصر را مورد کنکاش قرار دهد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و متکی بر تکنیک تحلیل محتوا می‌باشد. نتایج مطالعات حاکی از آن است که درون‌مایه چند وجهی جهانی‌سازی نشان از وجود نوعی هم‌زمانی روندهای همگون‌ساز و ناهمگون‌ساز در ماهیت این فرایند دارد و رویکردهای نوین منطقه‌گرایی نیز، در پی ایجاد تنوع در حین سود بردن از مزایای جهانی‌اند. بنابراین مابین پدیده‌های مذکور، تعاملی دوسویه در جریان است که حاصل آن، شکل‌گیری نوعی معماری پیوندی و تعامل جهانی منطقه‌ای در معماری معاصر است.

واژه‌های کلیدی

جهانی‌سازی، منطقه‌گرایی، تعامل جهانی منطقه‌ای، معماری پیوندی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری قادر بایزیدی با عنوان جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران است که به راهنمایی دکتر ایرج اعتصام و مشاوره دکتر فرح حبیب و دکتر مصطفی مخابراتی امرئی در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به انجام رسیده است.

** دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: q_Bayzidi@iausdj.ac.ir

Email: Irajtessam@hotmail.com

Email: F.habib@srbiau.ac.ir

Email: Mokhtabm@modares.ac.ir

*** استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**** استاد، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

***** استاد دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، تهران، ایران.

۱- مقدمه

جهانی» به شمار می‌آورد (همان، ۲۰ و ۲۱). وی معتقد است که عصر مدرن پایان یافته و باید در کاربرد مفاهیم و واژه‌هایی مانند عصر ماشینی، عصر اتم، «عصر فضا» و «عصر الکترونیک» محتاط بود، چرا که همچنان احساس مدرن بودن را القاء می‌کنند. از دیدگاه وی انسان اکنون به عصر جدیدی گام می‌گذارد که باید آن را «عصر جهانی» نامید (همان، ۲۷). جهانی‌شدن از نگاه گیدنز عبارت است از «فشرده شدن مناسبات اجتماعی جهان و تأثیر و تأثر حوادث محلی و حوادثی در کیلومترها دورتر (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۲۹۵). دورکیم^۲ به ظهور شکلی از یک «حیات بین‌المللی» و ضرورت افزایش جهانی‌شدن اشاره دارد (همان، ۲۹۷).

دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نظریه پردازان و مکاتب فکری در جداول ۲ و ۱ تدوین و ارائه شده است.

۲ منطقه‌گرایی

تعریف منطقه‌گرایی به تبع تعدد و سیر تحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیف وسیعی را در برمی‌گیرد، اما در نگاه کلی می‌توان گفت که توجه به ویژگی‌های زیست بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی از نکات مورد توجه منطقه‌گرایی به حساب می‌آیند (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲، ۹). از دیدگاه اوزکان، آنچه مورد مخالفت معماران منطقه‌گرا واقع شد، مدرنیسم نیست، بلکه گرایش به سبک بین‌المللی است. «منطقه‌گرایی رویکردی است در طراحی که برای هویت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است» (Tzonis, 2003, 10). اما این امر مانع پذیرش تأثیرات جهانی نیست. رویکرد اصلی منطقه‌گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه‌های ویژه مکانی است. به عبارت دیگر از آنجا که انسان‌ها در عین تملک فرهنگ منطقه‌ای، وارث و به‌وجود آورنده فرهنگی جهانی نیز هستند، باید شناختی از تعامل آن دو به دست آورند (Farmpton, 2000, 169). طرفداران این نظریه عقیده دارند که معماری باید انعکاس‌دهنده ویژگی‌های خودی بوده و مستقل از دیدگاه احساسی تعریف منطقه، سنت و تاریخ در یک کشور باشد (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ۳۶). بررسی منطقه‌گرایی با معرفی دو مفهوم امکان‌پذیر است: یکی «خصوصیات جامعه‌ای» و دیگری «امتزاج». خصوصیات جامعه‌ای معرف ویژگی‌های جغرافیایی، آب‌وهوایی و شکل‌شناسی محل مزبور و رویه‌های اجتماعی هستند که به محلی خاص «حس مکان» و به یک محیط «ویژگی خاصی» می‌بخشد. امتزاج اشاره به روندی دارد که از خلال آن تجلی فرهنگ هر جامعه با فرهنگ‌های موجود در منطقه‌ای خاص تأثیرات متقابل دارد و به این ترتیب این فرهنگ غنی شده و ترکیب‌های تازه‌ای را پدید می‌آورد. کن‌بینگ، معمار مالزیایی، منطقه‌گرایی را به عنوان سبکی تعریف می‌کند که بین فناوری و فرهنگ، پلی برقرار می‌کند. منطقه‌گرایی در معماری که بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد، در طول بازه زمانی گسترده حضور خود در عرصه معماری رویکردهای متفاوتی داشته به نحوی که از رویکردهای بومی‌گرایانه و احیاگرانه پیشین و تأکید بر برداشته‌های کالبدی از منطقه، به سمت رویکردهای نوین و استفاده از مزایای جهانی تغییر نگرش داده است. به قول الکساندر زونیس^۳

شکل‌گیری و تکامل اندیشه‌های معماری در طول تاریخ همواره تحت تأثیر ارتباطات و تحولات عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بوده و هست. با ورود به دنیای جهانی شده امروز، گسترش روز افزون تعاملات بین فرهنگی، فشرده‌گی زمان و مکان و شکل‌گیری دهکده جهانی، تأثیر و تأثر معماری نقاط مختلف جهان بر یکدیگر افزایش یافته و در بسیاری از مواقع به سوی نوعی عام‌گرایی، یکسانی و همگنی در حال حرکت است. گستردگی و سرعت ارتباطات در دهه‌های اخیر نوعی آمیختگی و آمیزش فرهنگی را دامن زده است. فرهنگ‌ها بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده و معادلات دو قطبی گذشته که مرزهای فرهنگی را مشخص و از هم جدا می‌کرد؛ مانند ما و دیگران، خودی و غیرخودی، شمال و جنوب، به‌طور عمیقی رنگ باخته‌اند. از سوی دیگر، رویکرد منطقه‌گرایی در معماری بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد و برای هویت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است. در این میان سؤال اصلی آن است که آیا معماری معاصر در سایه پدیده جهانی‌سازی با نوعی یکسانی و همگونی مواجه شده و ویژگی‌ها و هویت‌های خاص منطقه‌ای محو خواهند شد؟ به بیان دیگر، آیا مابین جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در عرصه معماری، نوعی تعامل برقرار است یا تقابل؟ پاسخ به این سؤال از طریق تبیین و تدقیق پدیده جهانی‌سازی و شناخت فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از آن همراه با بررسی نحوه ارتباط این پدیده با رویکردهای نوین منطقه‌گرایی در معماری معاصر، از اهداف اصلی مقاله پیش‌رو می‌باشد.

۳ پیشینه و تعریف جهانی‌سازی

در ارتباط با پیشینه و زمان شکل‌گیری مفهوم جهانی‌سازی، دیدگاه‌ها و نظرات متعددی ارائه شده است. رونالد رابرتسون^۴، ادیان بزرگ و امپراطوری‌ها را به عنوان اشکالی از جهانی‌کردن در قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخ، معرفی می‌نماید. اما از دیدگاه وی، اصطلاح «جهانی‌شدن» از نیمه دهه ۱۹۸۰ به مثابه بحث علمی بر سر زبان‌ها افتاد (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۱۹-۱۷). لیوتار، ریشه اصلی جهانی‌شدن را در آراء و اندیشه‌های فلاسفه عصر روشنگری جست‌وجو می‌کند که به تدوین نخستین بیانیه حقوق بشر انجامید (حسین‌زاده، ۱۳۸۵). بعضی‌ها رویکردهای جهان‌شمول دین‌هایی چون یهودیت و اسلام و اشاره به تعبیرهایی چون «مدینه فاضله»، «آرمان‌شهر» یا «اوتوپیا»، استعمار صدهای هجدهم و نوزدهم و رویکرد یکسان‌ساز، بومی‌گریز و غربی‌ساز مدرنیسم را به عنوان پیشینه جهانی‌شدن عنوان می‌کنند (ساسانی، ۱۳۸۵). جهانی‌شدن در دوره معاصر به سبب انقلاب الکترونیک و شکل‌گیری طرح دهکده جهانی مارشال مک لوهان از دهه ۱۹۶۰، از پیچیدگی، شتاب و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار شده است. جهانی‌شدن عبارت است از فرایند فشرده‌گی فرایند جهانی‌شدن و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۱۱ و ۱۲). رابرتسون عنصر آگاهی را نقطه عطفی در فرایند طولانی جهانی‌شدن می‌داند و مارتین آلبرو، جهانی‌شدن را شکل‌گیری یک جامعه جهانی در «عصر

جدول ۱. دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نظریه‌پردازان در تبیین مفهوم جهانی‌شدن و پیامدهای آن.

ردیف	نظریه پرداز	دیدگاه
۱	نسل اول دورکیم	<ul style="list-style-type: none"> • فروپاشی نظم اجتماعی سنتی به واسطه فرایند نوسازی (انفکاک ساختاری) و افزایش همگونی جهانی. • معتقد به ظهور شکلی از یک «حیات بین‌المللی» و ضرورت فزاینده جهان‌وطنی (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۲۹۷).
۲	سن سیمون	<ul style="list-style-type: none"> • تضعیف حد و مرزهای سیاسی - فرهنگی به واسطه‌ی عملکرد نیروهای جهانی‌ساز و همگونی‌آفرین (صنعتی شدن و علم الاجتماع).
۳	ماکس وبر	<ul style="list-style-type: none"> • کاهش تمایزهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میان نظام‌های محدود و معین اجتماعی و افزایش همگونی‌ها در نتیجه گسترش فرایند عقلانیت در قلمرو جهانی.
۴	مارکس	<ul style="list-style-type: none"> • فرایند کالایی شدن (رابطه بین تولید سرمایه‌دارانه و فرهنگ مصرفی جهانی).
۵	نسل دوم پارسونز ^۴	<ul style="list-style-type: none"> • انتخاب‌های عقلانی برای دستیابی به کارایی مناسب اقتصادی، عامل همسانی و همگرایی. • انطباق یا قابلیت یک نظام زنده برای سازگار شدن با محیط خود (فرایند نوسازی و انفکاک ساختاری).
۶	دانیل بل	<ul style="list-style-type: none"> • جامعه اطلاعات محور، عامل همسانی و همگرایی (نظم اجتماعی نوین).
۷	والرشتین	<ul style="list-style-type: none"> • جهانی‌شدن یعنی پیروزی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری همراه با یک تقسیم کار جهانی (نظریه نظام جهانی). • هدایت اقتصاد جهانی سرمایه‌داری توسط منطق انباشت سرمایه. • شیوه تولید واحد، عامل همسانی و همگرایی.
۸	مک لوهان ^۵	<ul style="list-style-type: none"> • نگاهی فرهنگی به جهانی شدن، ارائه نظریه دهکده جهانی (فناوری‌های ارتباطات).
۹	نسل سوم دیوید هاروی	<ul style="list-style-type: none"> • فشردگی زمان - فضا (کاهش زمان و کوچک شدن فضا).
۱۰	آنتونی گیدنز	<ul style="list-style-type: none"> • فشردگی فزاینده زمان و فضا و امکان کنش از دور. • ادغام مردم دنیا در جامعه جهانی واحد به صورتی نسبتاً آگاهانه. • جهانی‌شدن، عامل بروز پدیده‌ها و خیزش‌های اخیر ملی‌گرایی و ناسیونالیسم‌های محلی. • دیالکتیک امر محلی و امر جهانی.
۱۱	رونالد رابرتسون	<ul style="list-style-type: none"> • تأکید بر عنصر آگاهی. • فشردگی جهان و تشدید و افزایش آگاهی از آن به مثابه یک کل. • تأکید بر استقلال فرایند جهانی شدن (پدیده‌ای مستقل و محتوم). • دیالکتیک امر محلی و امر جهانی (خاص گرداندن عام و عام گرداندن خاص).
۱۲	لش و اوری	<ul style="list-style-type: none"> • پیوند فرایند جهانی‌شدن با تحول نظام سرمایه‌داری. • تبدیل جهان به صورت شبکه‌هایی سیال از نمادهای شناختی و نمادهای زیبایی‌شناختی. • گرایش مبادلات مادی به محلی شدن، مبادلات سیاسی به بین‌المللی شدن و مبادلات نمادین به جهانی‌شدن.

ادامه جدول ۱. دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نظریه‌پردازان در تبیین مفهوم جهانی‌شدن و پیامدهای آن.

<ul style="list-style-type: none"> • زائل شدن مفهوم سرزمین در سایه جهانی شدن. • افزایش ارتباط و تعاملات متقابل اجتماعی. • چند ساحتی بودن پدیده جهانی شدن. • نگرانی از تهی شدن مفهوم فرهنگی انسانیت از درون به واسطه مستحیل شدن هویت‌ها و مغایرت‌ها در پرتو مفهوم جهان‌انگاری. • نگرانی از عرضه تصویری فریبنده، مقلوب و تحریف شده از فرهنگ‌های بومی در پشت پرده فرهنگ جهانی (ضمیران، ۱۳۸۵). 	<p>۱۳ پژوهشگران ایرانی محمد ضمیران</p>
<ul style="list-style-type: none"> • فرایند جهانی‌شدن موجب تقویت خاص‌گرایی‌های فرهنگی. • اشاره به ناتوانی نظریه‌ها و دیدگاه‌های «توطئه» محور مینا، برای درک و تبیین فرایند جهانی شدن و پیامدهای آن. • جهانی‌شدن در عین حال که با نوعی همگون‌سازی فرهنگی همراه است، بسترها و امکان‌های فراوانی را برای همزیستی، تبادل، آمیزش و تعالی فرهنگی و همچنین خاص‌گرایی‌های گوناگون فرهنگی فراهم می‌کند. 	<p>۱۴ احمد گل‌محمدی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • وابستگی پیامدهای جهانی شدن به نوع استعمال و به‌کارگیری این پدیده فناورانه. • کلید واژه‌های جهانی شدن عبارتند از: شتاب‌گیری، تشدید تعاملات، ادغام، اطلاعات، شیوه زندگی. • در ذات آن هیچ‌گونه تجاوزکاری و سلطه‌گری نهفته است (همتی، ۱۳۸۵). 	<p>۱۵ همایون همتی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اعتقاد به بروز همگونی در حوزه‌های غیر فرهنگی در سایه فرایند جهانی شدن. • ناهمگونی، تکثر و تنوع در حوزه فرهنگ (کچویان، ۱۳۸۶). 	<p>۱۶ حسین کچویان</p>
<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از تعبیر بازار پیام برای تعاملات کنونی. • پیش‌بینی آینده ارتباطات میان فرهنگی به صورت میان فردی (محسنیان‌راد، ۱۳۸۷). 	<p>۱۷ مهدی محسنیان‌راد</p>
<p>نکات منفی جهانی شدن:</p> <ul style="list-style-type: none"> • یکپارچه سازی فرهنگی در عین ایجاد گسل در هویت‌های محلی. • از هم‌گسیختگی حاکمیت سیاسی. • گسترش جرم و جنایت و تبهکاری فرامرزی. • ایجاد گسست در نظام اقتصادی در اثر انتقال آزاد کالا، سرمایه و خدمات. <p>نکات مثبت جهانی شدن:</p> <ul style="list-style-type: none"> • ارتقای خودآگاهی جمعی نسبت به سرنوشت مشترک بشری، حفظ محیط‌زیست. • گسترش حیطه انتخاب بشر از سطح ملی به جهانی. • جریان آزاد عقاید و اطلاعات (دانشگر، ۱۳۸۵). 	<p>۱۸ محمد دانشگر</p>

ادامه جدول ۱. دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نظریه‌پردازان در تبیین مفهوم جهانی‌شدن و پیامدهای آن.

<p>علی منتظری</p> <p>۱۹</p>	<p>نکات منفی جهانی‌شدن:</p> <ul style="list-style-type: none"> • آسیب رساندن به سرمایه اجتماعی • مخدوش شدن یا خلل جدی به مناسبات نسلی • ایجاد نگرانی در نسل پیشین و نوعی بی‌هویتی در میان نسل جدید <p>نکات مثبت جهانی‌شدن:</p> <ul style="list-style-type: none"> • تقویت فرهنگ آزادی‌خواهی و رهایی‌بخشی • دسترسی به منابع و امکانات بشری و بهره‌مندی از نوعی عدالت در توزیع دانش و بهره‌وری از منابع فرهنگی و تمدنی (منتظری، ۱۳۸۵).
-----------------------------	---

جدول ۲. مکاتب فکری جهانی‌شدن از نگاه محققان و متفکران معاصر.

دیدگاه	مکتب
<ul style="list-style-type: none"> • تلقی جهانی‌شدن به عنوان یکی از عوامل مدرنیته. • تأکید بر وحدت دهکده جهانی و فرهنگ جهانی. • جهانی‌شدن به مثابه آمریکایی‌شدن، مک دونالدی‌شدن یا کواکولایی‌شدن (کیمانی انجوگو، ۱۳۸۵). • جهانی‌شدن معادل غربی‌شدن و خطری برای جهان امروز (بدبینی مفرط) (بلخاری، ۱۳۸۵). 	<p>۱</p> <p>مکتب اول (همگرایی)</p>
<ul style="list-style-type: none"> • تلقی جهانی‌شدن به عنوان پدیده‌ای پسامدرن. • جستجوی معنا و مفهوم در فرایند همگرایی و آمیختگی فرهنگی. • فرصتی طلایی برای رسیدن به سطحی از ترقی و آمیزش ضعف‌ها و قوت‌ها و رسیدن به نوعی عدالت در بهره‌بری از امکانات مادی و معنوی زمین (ذوق‌زدگی). • ایجاد چندگانگی فرهنگی در کنار یکپارچگی و یکسان‌سازی و وسیله‌ای برای بیان فرهنگی و هویت‌یابی بسیاری از فرهنگ‌های کوچک به لطف ابزارهای جدید. • جهانی‌شدن و فرهنگ جهانی به عنوان گستره نمایش و تجسم فرهنگ‌های بومی و قومی. 	<p>۲</p> <p>مکتب دوم (واگرایی)</p>
<ul style="list-style-type: none"> • جهانی‌شدن به معنی تنش و کشمکش میان مدرنیته و پسامدرنیته است. • فرایندی که منجر به ارتباط متقابل فرهنگی می‌شود و در آن واحد، فرایند «تجمیع» و «تفریق» است. • انکار اندیشه‌های مکاتب اول و دوم و برگرفته دانستن آنها از ذوق‌زدگی از یک سو و بدبینی مفرط از دیگر سو. • جهانی‌شدن از برای ملت‌ها و تمدن‌هایی که صاحب ایده و اندیشه‌اند، یک فرصت است (بلخاری، ۱۳۸۵). 	<p>۳</p> <p>مکتب سوم (واقع‌بینی)</p>

جدول ۳. تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی. (مأخذ: بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۷)

عرصه	تحول
۱ سیاسی	• غیر سرزمینی شدن جغرافیا، معناگرایی، چند بُعدی شدن، تکثرگرایی دمکراتیک (افزایش نقش توده مردم). (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ۱۱۳)
۲ معماری	• تغییر نگرش‌های سبک محور اواخر قرن ۱۹، متأثر از رمانتیسم و کلاسیسم اروپایی (اقتباس تاریخی، بومی‌گرایی و برداشت‌های کالبدی منطقه) به رویکردهای نوین منطقه‌گرایی (کالبدی، بوم‌شناختی و معنایی). • ظهور رویکردهای اصالت‌محور، فن‌محور، مکان‌محور و گذشته‌محور در سایه توجه به مفاهیم فرهنگ، فناوری، مکان و هویت (شایان و همکاران، ۱۳۸۸). • گرایش مباحث منطقه‌گرایی به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جوامع با تأکید بر تعاملات و روابط انسانی و توجه به زیست‌بوم به جای مباحث سبکی، شکلی و زیبایی‌شناسی.

اضافه سنت معماری و طراحی شهری که گذشت زمان آن را کهنه و مهجور نکرده است، همراه با مکتب‌های فکری نوین و پیش‌رو محلی، همگی خودی هستند. فرهنگ و تمدن جهانی، غیر محسوب نمی‌شود زیرا هر ملتی در شکل‌گیری آن نقش داشته است. با این حال، برخی جنبه‌های آن که استقلال و ارزش‌های منطقه‌ای را خدشه‌دار می‌سازد، قابل‌پذیرش نخواهد بود. یکی از وظایف اصلی منطقه‌گرایی تعریف حدود و جوانب منطقه است. این تعریف حوزه «خودی» را مشخص می‌کند. آنچه ارزش‌های منطقه‌ای را تضعیف یا رد نکند - هرچند متعلق به فرهنگ جهانی باشد - غیر، محسوب نمی‌شود (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ۳۷).

تعامل جهانی-منطقه‌ای در عرصه‌های عام: اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

از آنجا که دیدگاه‌های رابرتسون در حوزه جامعه‌شناسی در راستای تبیین رویکرد اصلی مقاله مبنی بر تعامل دو سویه جهانی - منطقه‌ای در حوزه معماری می‌تواند راهگشا و مؤثر باشد، لذا اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ایشان با عمق و گستردگی بیشتری در مطالعه حاضر مورد توجه قرار گرفته‌اند. «وجه مهمی از نظریه رابرتسون مرتبط است با توضیح پیدایش یک فرهنگ جهانی که در آن هم فرهنگ‌های مختلف قومی و ملی و هم یک فرهنگ مشترک جهانی، هم وجوه خاص پویای حیات معاصر و هم وجه عام آن، هر دو جایگاه خود را دارند» (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۹). قلمرو فرهنگی جهان معاصر هم دربرگیرنده عامیت و همگونی است و هم دربرگیرنده خاصیت و ناهمگونی. جهانی‌شدن در درجه نخست پدیده‌ای فرهنگی است، چرا که بستری برای جهانی شدن فرهنگ‌های خاص و بومی و محلی شدن عناصر فرهنگ جهانی فراهم می‌کند. از این‌رو است که رابرتسون از عام‌شدن امر خاص و خاص‌شدن امر عام سخن می‌گوید (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ۱۴۳). فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی وارد داد و ستدی پیچیده می‌شوند تا در عین حفظ خاصیت خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز بهره‌مند شوند. رابرتسون از ژاپن به‌عنوان نمونه‌ای موفق در درونی‌کردن اندیشه‌های بیرونی و تبدیل عام به خاص نام می‌برد (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۲۱۶).

افزایش سرعت منجر به کاهش زمان وقوع رویدادها گشته است و برخلاف گذشته که گذار از کشاورزی به صنعت قرن‌ها به طول انجامید، گذار به دنیای الکترونیک و جامعه شبکه‌ای در محدوده زمانی

منطقه‌گرایی هم به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می‌شود و هم به تعادل اکوسیستم و مسائل زیست‌محیطی. هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع در عین سود بردن از مزایای جهانی است (Bayzidi et al., 2013, 14).

ف «فود» و «دیگری»

در بررسی تأثیر و تأثر پدیده‌های منطقه‌گرایی و جهانی‌سازی، شناخت دو مفهوم «خود» و «دیگری» بسیار حائز اهمیت است. در جهانی که به طور فزاینده‌ای درهم فشرده می‌شود، مسئله تشخیص هویت خودی و غیر خودی، چه فردی و چه جمعی، هر روز پیچیده‌تر و دشوارتر می‌شود. بنابه نظر مک‌گرین تفسیر دیگر بودن تحولات زیر را طی کرده است: در قرن شانزدهم «برای اروپائیان پایه غیر بودن عدم تعلق به دین مسیح بود؛ در قرن هجدهم متناسب با اندیشه روشنگری، دیگر بودن به جاهل بودن تعبیر شد؛ در قرن نوزدهم، تاریخ، ممیز خودی و غیر خودی در اروپا به شمار رفت و سرانجام در قرن بیستم، فرهنگ در این کار به خدمت گرفته شد» (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۲۱۰). هویت و بازشناخته شدن، مستلزم یک رابطه مبتنی بر گفتگو است؛ چنان‌که به گفته جورج هربرت مید^۴، دیگران «معنا بخشنده» هستند. بنابراین تکوین تفکر انسانی تک‌گویی نیست، بلکه گفتگوست و این گفتگو به قول باختین، منتقد بزرگ ادبی روسی، همه سطوح را دربرمی‌گیرد (همان، ۱۹۶). از نگاه شایگان، عقاید موروثی بسیار دیرپا، سمج و آن‌چنان لجوج‌اند که به هنگام عجز از درک و پذیرش دنیای دیگران، ارزش‌های خودی را مطرح می‌کنند، تمایزهای خود را به رخ می‌کشند و «دیگری» را از افق نگاه خود کاملاً طرد می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۱، ۱۹۱). در فرایند انعکاس و تعمق درباره «خودی» و «دیگری» در معماری معاصر، اصطلاح منطقه‌گرایی انتقادی^۵ به عنوان زیربنای نظری تبیین معماری مدرن در کشورهای درحال توسعه به کار گرفته شد. بدین ترتیب در بسیاری از این کشورها مطالعه مجدد سنت‌ها به منظور یافتن ارزش‌ها، اصول و هویت ملی مورد استقبال قرار گرفت. این فرایند تأثیر قابل توجهی در معماری معاصر داشت و منجر به مطرح شدن این بحث شد که چگونه می‌توان بدون تقلید از گذشته، معماری خودی را حفظ نمود (wikipedia, 2013). در منطقه‌گرایی انتقادی، «خودی» به معنای میراث و ارزش‌های زنده و پایدار - و نه بازگشت تبحرآمیز به گذشته و ناسیونالیسم افراطی - است. ویژگی‌های کالبدی منطقه به

کوتاه‌تری در حال وقوع است به‌نحوی که این تغییرات به قدری سریع هستند که در صورت عدم‌شناخت این وضعیت، جوامع با شوک آینده و عواقب ناشی از آن روبرو خواهند شد (ابراهیمی و اسلامی، ۱۳۸۹، ۴). زندگی اجتماعی انسان معاصر، در چنان جریان پیچیده‌ای از ارتباطات جهانی قرار گرفته که دیگر نمی‌توان آن را به صورت خطی و یک‌سویه بررسی کرد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در جریان این ارتباطات پیچیده، دگرگونی‌های زیادی را متحمل شده و بعدی جهانی یافته‌اند. دسترسی به اطلاعات از هر نقطه از جهان در کوتاه‌ترین زمان، امکان‌پذیر

گردیده است، به این ترتیب برای انسان‌ها این امکان فراهم شده که از عملکردها و رخدادهای گوناگون در سایر نقاط جهان آگاه شوند. این امر در صورتی مثبت و سازنده است که افراد این اطلاعات را به درستی دریافت کرده، در وجود خود درونی ساخته و بتوانند در چرخه ارتباطی نقش فرستنده را نیز برای دیگران داشته باشند. در غیر این صورت تأثیرپذیری انفعالی و تقلیدی از دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها صورت خواهد گرفت (حیب و حسینی، ۱۳۸۹، ۳۳).

دیدگاه صاحب‌نظران به صورت جامع در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. دیدگاه صاحب‌نظران و منتقدین درمورد تعامل جهانی - منطقه‌ای در عرصه‌های عام اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

منتقد	دیدگاه و نظریه
۱ لغت‌نامه کلمات جدید آکسفورد	• تعریف آگاهی جهانی: «قابلیت پذیرش و درک فرهنگ‌های دیگر، غیر از فرهنگ خودی و نشانه‌توجه به مسائل اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی جهان» (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۳۶).
۲ رنالد رابرتسون	• جهانی‌شدن، خود مولد تنوع و گوناگونی است و گوناگونی در زمینه‌های مختلف وجه اساسی جهانی‌شدن است (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۲۵۵). • معتقد به سیال بودن فرهنگ: فرهنگ‌ها به واسطه قرض‌گرفتن، ترکیب، بازکشف و بازتفسیر کردن در جریان کنش‌ها و اندرکنش‌های افراد و گروه‌ها ساخته می‌شوند (همان، ۱۲۵). • قلمرو فرهنگی جهان معاصر هم دربرگیرنده عامیت و همگونی است و هم در برگیرنده خاصیت و ناهمگونی. • فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی وارد داد و ستدی پیچیده می‌شوند تا در عین حفظ خاصیت خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز بهره‌مند شوند. • بنیادگرایی و ملی‌گرایی، مقاومت در برابر جهانی‌شدن نیست؛ بلکه عموماً به منزله برگردان وجوه کلان زندگی به زبان بومی است (همان، ۲۳۷). • معرفی گردشگری معاصر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تولید تفاوت و محلیت از یک سو و ترغیب عامیت از سوی دیگر (همان، ۲۵۷).
۳ گیرتز	• در جهانی زندگی می‌کنیم که «طیف ممتدی از تفاوت‌های به‌هم آمیخته» است. اینجاها و آنجاها هر روز بیشتر از پیش قابل نفوذ و کمتر از پیش قابل تعریف و دشوارتر از هر زمان قیاس‌ناپذیر می‌شوند (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۳۷۰).
۴ ژان استوتزل	• فرهنگ‌پذیری بر خلاف تصور دورکیم ناشی از فشارهای فلج‌کننده جامعه و یا تقلید بی‌هدف نیست، بلکه یک سازگاری اجتماعی کاملاً انگیزه‌دار است (بهزادفر، ۱۳۸۷، ۲۷).
۵ مک‌لارن	• هویت مرزی عرصه‌های اختلاط و تلاقی فرهنگ‌های مختلف اند. (زندگی در شهری مثل لوس آنجلس) • فرا رفتن از تقابل‌های دو سویه و ره‌گشایی به دنیای بینابین در سایه هویت مرزی. (شایگان، ۱۳۸۱، ۱۰۴ و ۱۰۷)
۶ تزوتان تودوروف	• استعلاقی فرهنگی: دوگانگی حاصل از دو پدیده فرهنگ‌زدایی و فرهنگ‌پذیری. • به دست آوردن معیارها و ضوابط تازه بدون از دست دادن معیارها و ضوابط پیشین.
۷ هربرت مید	• دیگران «معنا بخشنده» هستند. تکوین تفکر انسانی تک‌گویی نیست، بلکه گفت‌وگوست. (شایگان، ۱۳۸۱، ۱۹۶)
۸ رناتو روزالدو	• اعتقاد به آمیختگی فرهنگی: در جهان پسااستعماری کنونی، اعتقاد به یک فرهنگ اصیل به عنوان جهانی خودمختار و دارای انسجام درونی، دیگر منطقی و پذیرفتنی نمی‌نماید. (کیمانی آنجوگو، ۱۳۸۵)
۹ کیمانی آنجوگو	• آمیختگی در عین ضدیت با سلطه‌گرایی می‌تواند مبتنی بر گفت‌وگو، تنوع زبانی و چندصدایی باشد. • در این آمیختگی فرهنگی، زبان‌ها و فرهنگ‌ها در آن واحد، یکسان و متفاوت هستند. • آمیختگی: ایجاد فضای میانی‌ای که در آن «خود» و «دیگری» نقطه اشتراک پیدا می‌کنند. (کیمانی آنجوگو، ۱۳۸۵)
۱۰ جان تامپسون	• اشاره به غیر محلی‌شدن سنت‌ها با تحول رسانه‌ها (تامپسون، ۱۳۸۰، ۲۴۰). • هم‌بافت‌شدن ارزش‌های بیگانه و خودی در طی فرایند پیچیده جذب و سازگاری (همان، ۲۱۰).

ادامه جدول ۴. دیدگاه صاحب‌نظران و منتقدین در مورد تعامل جهانی - منطقه‌ای در عرصه‌های عام اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی.

۱۱	آنتونی گیدنز	• تعامل دو سویه محلی - جهانی و استعمار معکوس: مهیا شدن فرصت استفاده کشورهای در حال رشد از منابع فنی و اطلاعاتی کشورهای پیشرفته (توسلی، ۱۳۸۵).
۱۲	هابرماس	• جستجوی یک هویت جوهری جمعی نه ممکن و نه لازم است؛ مشارکت عام در یک عمل ارتباطی جهان‌شمول حداکثر آن چیزی است که در این زمینه قابل حصول است (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۱۶۱).
۱۳	رنای شورت	• دنیای جهانی اغلب روابط و هویت‌های قومی را در سطح جهان تقویت می‌کند (رنای شورت و هیون کیم، ۱۳۸۶، ۱۴۲).
		• همزیستی و همزمانی روندهای همگون‌سازی و ناهمگون‌سازی ممکن است در توصیف فرایندهای جهانی‌شدن فرهنگی عبارت مناسب‌تری باشد تا یک طبقه بندی دوگانه از جهانی‌سازی یا عدم جهانی‌سازی (همان، ۱۸).
۱۴	داریوش شایگان	• اشاره به اصل همبستگی متقابل، تکوین انسان چهل تکه، اختلاط و دورگه سازی همگانی. (شایگان، ۱۳۸۱، ۸)
		• اکنون در عرصه تنوع فرهنگ‌ها که شکلی موزائیک‌وار یافته است همه آگاهی‌ها را پهلوی هم می‌بینیم؛ زیرا در این موقعیت تازه‌ترین‌ها به کهنه‌ترین‌ها می‌پیوندند، اسطوره دوشادوش عقلی گام برمی‌دارد که از آن بت ساخته‌اند و ابتدایی‌ترین فرهنگ‌ها هم نفس پیچیده‌ترین فناوری‌هاست (همان، ۴۱)
		• اگر از این جهان همواره دگرگون‌پذیر کناره جویم و زیر حباب شیشه‌ای جای خوش کنیم و به دنبال اسلاف خیالی و اساطیر اولین باشیم، از چاله به چاه افتاده ایم و از بی‌حسی و بی‌حرکتی به تاریک‌اندیشی روی نهاده‌ایم. در اینجاست که گفتگو معنی پیدا می‌کند، نه گفتگوی بازیگوشانه فرهنگ‌ها، بلکه گفتگوی فراتاریخ. نسل‌های آینده محکوم به زندگی در جهان چندفرهنگی‌اند و آمیزش افق‌ها و باروری متقابل، گویی نحوه طبیعی وجودشان است (شایگان، ۱۳۷۹).
۱۵	آیدین آغداشلو	• عمده‌تر شدن جایگاه فرهنگ‌های حاشیه‌ای در دنیای جهانی شده امروز و یافتن سهمی بیشتر در طراحی جهان معاصر (آغداشلو، ۱۳۸۵).
۱۶	محمد ترابی	• مفهوم معقول و عنان ناگسیخته جهانی‌شدن: در کنار هم نشان همه لایه‌های رسوب (فرهنگی) و عرضه کردن همه سطوح آگاهی، یعنی چندصدایی بودن نغمه فرهنگ جهان (ترابی، ۱۳۸۵).
۱۷	حوزه اقتصادی	• استوارت هال: شرکت‌های چندملیتی به منظور توسعه بازارها به نواحی جدید، شدیداً به دنبال آند تا خود را با تقاضاهای مصرف‌کنندگان محلی هماهنگ کنند. یعنی فعالیت‌ها و خطوط تولیدشان متناسب با فرهنگ‌های محلی و سایر عوامل منطقه‌ای باشد (ایل، ۱۳۸۷، ۲۵۶).
		• رابرتسون: مواجهه سرمایه‌داری مصرف جهانی در زمان حاضر با عرضه جهانی و عام از یک سو و تقاضای محلی و خاص از سوی دیگر (الزام طراحی کردن محصول بر حسب شرایط خاص منطقه‌ای، کشوری، قومی، طبقاتی و جنسی برای جذب مصرف‌کننده) (رابرتسون، ۱۳۸۵، ۲۱۴).
۱۸	حوزه سیاسی	• نقش کثرت‌گرایی فرهنگی ناشی از جهانی‌شدن: توجه به گوناگونی فرهنگی درون سرزمینی، واگذاری بخشی از اختیارات به اقلیت‌ها و قومیت‌های فرهنگی، تعدیل سیاست‌ها، احقاق حقوق شهروندان، حرکت به سوی نظام‌های غیر متمرکز و اتخاذ راهبرد کثرت‌گرایی فرهنگی
		• فراهم شدن امکان تأکید بر تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی و دفاع از آنها برای افراد و ملت‌ها در سایه جهانی‌شدن (سینایی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۴).
		• طرح نظریه همسویی منطقه‌گرایی با جهانی‌شدن (موسوی، ۱۳۸۸).

جهانی شده معاصر با شتاب و سرعت بیشتری در جریان است. معماری همواره متأثر از حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده و برقراری تعامل مابین پدیده‌های جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی در حوزه‌های مذکور، وجود این تعامل در عرصه معماری را نیز موجب شده است. در جداول ۵ و ۶ به ترتیب، دیدگاه صاحب‌نظران و معماران شاخص و نمونه‌هایی از آثار معماری با نگرش تعاملی جهان-منطقه‌ای، تدوین و ارائه شده است.

تعامل جهانی - منطقه‌ای در عرصه فاص: هنر و معماری

فرهنگ، نظام هم‌زیستی ارزش‌ها، کثرت هنجارهای رفتاری، پژوهاک تمدن خودی و بیگانه است و هنر حلقه‌ای در زنجیره عناصر فرهنگ است که بیش از همه گشوده بر دیگر فرهنگ‌ها و دستاوردهای هنری ملل و مردمان دیگر است (عبادیان، ۱۳۸۵). تأثیر و تأثر هنر و معماری ملت‌ها بر همدیگر دارای سابقه‌ای طولانی است و این تعاملات در دنیای

جدول ۵. دیدگاه صاحب‌نظران و منتقدین در مورد تعامل جهانی-منطقه‌ای در عرصه هنر و معماری.

منتقد	دیدگاه و نظریه
۱ فومیهیکو ماکی	• جهانی‌شدن به معنی حقیقی این است که مردم جهان می‌توانند از کلیه سنت‌ها و بیان‌های هنری بومی به‌عنوان دستاورد تمدن بشر استفاده کنند.
۲ کیشو کوروکاوا	• ارائه فلسفه همزیستی: نگرش گلوکالیستی (جهان-محلی). • تعریف نمادگرایی انتزاعی به معنای زبان معماری، استفاده از انتزاع و هندسه در جهت بیان تفاوت میان مکان‌های مختلف و فرهنگ‌های مختلف به صورت نمادین. • تعریف عبارت «نمادگرایی انتزاعی» در جهت ایجاد هم‌زیستی میان «معماری، طبیعت و تاریخ» مانند طرح موزه هنرهای معاصر ژاپن در هیروشیما. • نوآم ساختن فناوری توسعه‌یافته و مصالح پیشرفته که قابلیت بالایی برای بیان سنت هر کشور دارند، به‌عنوان هم‌زیستی میان لبه برنده فناوری و هویت فرهنگی (قاری پور و شایان، ۱۳۷۹).
۳ رابرت ونتوری	• جهانی‌شدن بیش از حد کسالت‌آور است. چون دیگر روح محیطی خود را از دست می‌دهد. • منطقه‌گرایی صرف هم جالب نیست چون در یک محیط بسته دنبال ارزش‌هایی هستید که دیگر منسوخ شده است. • «بحث من عنایت به بافت، مردم، فرهنگ مردمی و محیط و مطالبی از این قبیل است. این با بازی‌های شکلی پست مدرنیسم، تفاوت زیادی دارد». • حقیقت در ارتباط و آمیزش فرهنگ‌ها است. بدین ترتیب بهتر می‌توانیم دیگران را بفهمیم و از فرهنگ‌ها هدیه‌ای دریافت نماییم. اگر برای معماری روندی معنوی قائل شوید تنها راه آن همان است. دور از هر نوع رادیکالیسم اجتماعی، نژادی و یا عقیدتی (دبیا، ۱۳۸۲، ب).
۴ پل آندرو	• تبادل فرهنگی و امکان نمود خلاقیت‌هاست که معماری یک کشور را می‌سازد، نه مشخص کردن منبع الهام‌ها (بسکی، ۱۳۷۷، ۲۵).
۵ چارلز جنکز	• معماری فردا خطی نخواهد بود و با یک علم یک بعدی تکرار شده‌های دیگر نخواهیم توانست آن‌را درک کنیم. • معماری هزاره‌سوم معماری‌ای خواهد بود کثرت‌گرا، متغیر، همراه با هم‌زیستی کلیه عناصر مفهومی تمدن بشری و عناصر ترکیبی شکل‌دهنده معماری که از مصالح و از پوسته‌های سبک و شفاف تشکیل خواهد شد (دبیا، ۱۳۸۲، الف).
۶ رابرت آدام	• اساس این الگوواره کنار قرار دادن جزم‌گرایی‌های تثبیت‌شده قدیم و ورود به عرصه‌های نو در ادراک، دریافت و طراحی فضاهای معماری امروز است.
۷ پل ریکور	• منطقه‌گرایی و احیای مجدد خرده فرهنگ‌ها یک پدیده جهانشمول است و وسائل ارتباط جهانی مانند تلویزیون و ماهواره برای تقویت هویت ملل به کار می‌روند. در یک دنیای جهانی شده نه تنها می‌توانیم با سنت‌هایمان در ارتباط باشیم؛ بلکه این ضرورتی است که باید انجام دهیم (Adam, 2008).
۸ لوئیس مامفورد ^۸	• «ما در یک تونل هستیم، در تاریک روشن جزم‌گرایی و سپیده‌دم گفت و شنود واقعی» (ریکور، ۱۳۷۹). • اگر منطقه‌گرایی انتقادی و مرزهای متغیر آن به صورت کامل بازتعریف شوند، اغلب نیاز به رها کردن گذشته فرهنگی به‌صورت کامل جهت مشارکت در تمدن مدرن وجود نخواهد داشت (Paterson, 1995).
۹ زونیس	• ضمن اشاره به اهمیت جنبه‌های خاص منطقه‌گرایی در تقابل با یکسان‌سازی، جهانی‌بودن را یکی از جنبه‌های تعریف منطقه‌گرایی می‌داند. • خودکفایی و خودبسندگی صفات نادرستی‌اند که به منطقه‌گرایی نسبت داده می‌شوند. استفاده بهتر از منابع بومی نیازمند کمک انسان‌ها، ایده‌ها و یا روش‌های فنی مختص جاهای دیگر است (شایان، ۱۳۸۷ الف).
۱۰ کریس ایل ^۹ (معماری پیوندی)	• هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع در عین سود بردن از مزایای جهانی است. • متضادها مکمل هستند: تلاش برای برقراری تعادلی پویا بین مفاهیم متضاد، «نو» و «کهنه»، «خردگرا» و «احساسی»، «جهانی» و «خاص» (ایل، ۱۳۸۷، ۲۳۷). • معماری مستعمراتی: نتیجه‌تطور تدریجی تبدلات فرهنگی (فرایندهای انطباق با محیط جدید) مانند خانه‌های ویلایی جورجتن مالزی به سبک پالادیویی و دگرگونی‌های معنادار آن در فرایند جابجایی از اقلیم معتدل به اقلیم استوایی. • معماری پیوندی را می‌توان به عنوان نمودی از محصول فرایندهای خلاقانه تعامل فرهنگی نگاه کرد. جایی که فرهنگ‌ها کمابیش متعادل شده، جنبه تخریبی نداشته و دو یا چند فرهنگ زنده تلاقی یافته و منشأ ایجاد پیوندی جدید شده‌اند (همان، ۳۹۸).
۱۱ راپاپورت	• در این دوران آشفته دهکده جهانی، معماری منطقه‌ای واقعی در فرایندی خلاق با درهم‌تنیدگی بارور فرهنگی همراه با منطقه‌ای کردن مدل‌های وارداتی قرار دارد تا خلوص هویت‌ها به تعبیر منابع رایج (همان، ۳۱۲). • ارائه طرح ناتمام در خانه‌سازی: اجازه به ساکنان برای ایفای نقشی مهم در طراحی خانه‌هایشان (ایل، ۱۳۸۷، ۲۶۶).

ادامه جدول ۵. دیدگاه صاحب‌نظران و منتقدین در مورد تعامل جهانی-منطقه‌ای در عرصه هنر و معماری.

۱۲	جان ترنر	• خانه‌های شخصی‌ساز: ایجاد زمینه تجلی هویت و تفاوت‌های شخصی و اجتماعی با کنترل بر خانه خود (ابل، ۱۳۸۷، ۲۶۶).
۱۳	برنارد رادوفسکی	• ایده «معماری بدون معمار»، یا «معماری ناخودآگاه»: قادر است ایده‌آل پیوستگی و هماهنگی مطلوب بین اشکال معماری، فرهنگ جامعه و شرایط اقلیمی منطقه متناسب با مکان استقرار را به نحوی مطلوب فراهم آورد.
۱۴	موریس استرانگ	• توسعه بومی: برنامه توسعه باید با نیازها و خصوصیات آن منطقه متناسب بوده و با مشارکت کامل ساکنین محلی همراه باشد. در مقابل الگوی معمول از بالا به پایین، در تصمیم‌گیری‌های متعارف برنامه‌ریزی متمرکز، توسعه بومی مشوق رویکرد غیرمتمرکز از پایین به بالا است (ابل، ۱۳۸۷، ۲۸۱).
۱۵	شوماخر	• طرح مقوله انتخاب فناوری واسط به‌عنوان یک راهکار توسط شوماخر در سال ۱۹۶۳ تحت‌تأثیر بحث «اقتصادهای مردمی». • فناوری‌های واسط برای آن طراحی شده‌اند که خلاء موجود بین فناوری‌های وارداتی نامناسب و سرمایه‌بر را با فناوری‌های سنتی غیرگران اما غالباً ناکارآمد محلی پر نماید. • آنچه انسان نیازمند آن است، در واقع پیشرفت‌های تکنولوژیکی بالا و پیشرفته نیست؛ بلکه فناوری‌ای است که همراه با حفظ اصالت‌ها و اصول محیطی؛ بین انسان، جامعه و طبیعت تعادل برقرار می‌کنند و تکنولوژی ترکیبی نامیده می‌شود (ابل، ۱۳۸۷، ۳۷۱-۳۶۸).
۱۶	جهانی‌شدن از طریق میراث فرهنگی	• بازسازی محدوده تاریخی برلین: گذشته ملی احیا می‌شود تا در خدمت جهانگردی بین‌المللی و رقابت اقتصادی قرار گیرد و بتواند برلین را به شهری جهانی تبدیل نماید. سنت به خصوص سنت آلمانی، ظاهراً تبدیل به پایه و اساس استدلال‌های گوناگون درباره نحوه آشتی دادن و اتحاد در آلمان شده‌است (جنکینز، ۱۳۸۵). • توجه هم‌زمان به رؤیاهای محلی و جهانی (نمونه موردی: شهر سئول): حکومت مادر شهر سئول، چهار چشم‌انداز برای آینده شهر سئول مشخص کرد که شامل یک شهر تاریخی، یک شهر انسانی، یک شهر فرهنگی و یک شهر جهانی است: احیاء مجدد سنت‌ها، بازسازی دوباره بناهای تاریخی و مرمت بناهای قدیمی، جشن ششصدمین سالگرد انتخاب سئول به‌عنوان پایتخت کره در ۱۹۹۴، بهره‌گیری از رویدادهای ورزشی (بازی‌های المپیک و موارد دیگر) و میزبانی همایش‌های مختلف بین‌المللی (رنای‌شورت و هیون‌کیم، ۱۳۸۶، ۱۱۰-۱۱۳).
۱۷	کتابیون سپهرراد	• جهانی‌شدن در مورد احیاء ارزش‌های بومی و سنت‌های از یادرفته می‌تواند راه‌گشا باشد و به ما کمک کند تا آنچه را از شدت نزدیکی نمی‌بینیم از طریق نگاه دیگری دریابیم و آن‌را پاس بداریم. آثار پرویز کلانتری و نصرالله کسرائیان در مورد زندگی عشایری و سینمای عباس کیارستمی و مناظر روستایی آن در سایه همین جهانی‌شدن موردتوجه قرار گرفته‌اند (سپهرراد، ۱۳۸۵). • نگاه تحسین‌آمیز و شگفت‌زده خارجی به عنصری بومی فرش با طرح درشت‌بافت و بالا رفتن ارزش تجاری آن در بازار جهانی و احیای آن.
۱۸	فرهاد ساسانی	• هنر بومی در دوره جهانی‌شدن: • هنر سنتی باید سنتی باشد نه سنتی در برابر مدرن و امروزی، بلکه سنتی زنده و پویا که دائماً از درون و گاه با وام‌گیری از بیرون متحول شود. • روند جهانی‌شدن روندی آرمانی است که محقق نخواهد شد، مگر با تکیه بر اندیشه و در اختیار داشتن ابزار بیان و به عبارتی داشتن نوعی تسلط. • تنها هنرهای بومی‌ای می‌توانند در این گفتمان جهانی شرکت کنند یا شرکت داده شوند که صرفاً هنری موزه‌ای نباشند (ساسانی، ۱۳۸۵).
۱۹	مانفردی نیکولتی	• اشاره به شباهت زبان معماری به زبان کلامی و لزوم پویایی و دگرگونی (زبان باستانی قوس‌ها، سرستون‌های گچ‌بری‌شده و عناصر تزئینی آنها در کل به لحظه خاصی از تاریخ تعلق دارد. تکرار آن برای بیان «خود» در این عصر از ارزش این گنجینه موروثی می‌کاهد). • استفاده از مفاهیم متعالی معماری گذشته و رد تقلید شکلی و سطحی (نیکولتی، ۱۳۸۵).

جدول ۶. نمونه‌هایی از آثار معماری با نگرش تعاملی جهانی - منطقه‌ای.

ردیف	معمار	آثار و ویژگی آنها
۱	آلوار اتو	• سالن شهر سایناتسالو: توجه به فناوری و مکان. • رجعت به ریشه‌ها بدون کوچک‌ترین حس نوستالژی، سنتز مدرنیته و منطقه‌گرایی (خلق معماری مدرن منطقه‌ای).
۲	ریمه پیه‌تیلا	• دیپولی، ساختمان اتحادیه دانشگاهی در اوتانیه‌می، نزدیک هلسینکی (۶۷-۱۹۶۱). • رد فرم‌های معمولی معماری مدرن و توجه به تکرار موج دریاچه‌ها و صخره‌های فنلاند و استفاده از چوب.
۳	برن اوتزن	• کلیسای باگسوار، نزدیک کپنهاگ (۷۶-۱۹۷۳) و ساختمان مجلس کویت: آمیزش ویژگی‌های عام و محلی.

ادامه جدول ۶ نمونه‌هایی از آثار معماری با نگرش تعاملی جهانی - منطقه‌ای.

۴	لویی کان	• ساختمان مجلس داکای بنگلادش (۷۴-۱۹۶۰).
۵	رنزو پیانو	• مجموعه فرهنگی ژان ماری تجیبائو در نیوکالدونیا (شکل ۱): توجه به گیاهان منطقه و کلبه‌های منطقه کاناک، توجه به اقلیم (استفاده از سیستم تهویه انفعالی برای خنک کردن و تهویه در مجموعه)، استفاده از باد، نور، آب و پوشش گیاهی منطقه.
۶	لوئیس باراگان	• خانه گیلاردی، مکزیکو سیتی، ۱۹۷۵-۱۹۷۷: در کار او به هیچ وجه احیاء شکل‌های سنتی وجود ندارد. • خلق مکان و حال و هوا در آثار وی، انتقاد به جهانی‌سازی و بی‌مکانی، عاری بودن معماری از هر نوع حس دموکراسی از نگاه وی، دفاع از معماری وابسته به زمینه و آمیخته با احساسات.
۷	ریکاردو لگورتا	• هتل کامینو رئال، مکزیکو سیتی، ۱۹۶۸-۱۹۶۷
۸	تادائو آندو	• اهمیت سایت در روند طراحی، توجه به زمین (سایت و توپوگرافی) و نور، اعتقاد به بنا نهادن مکان به عنوان هدف معماری. • تمایل به وجود «درجه‌ای از انتزاع و امر جهانی» همراه با شناخت خصوصیت ویژه فرهنگ منطقه‌ای. • مواد و مصالح: بتن، نور و باد، زنده کردن احساس ژاپنی در مورد اثر متقابل نور، مصالح و جزئیات. • پروژه مسکونی روکو: حفظ کیفیت زمین ساختی ناهموار سایت (شیب ۶۰ درجه). • پروژه همایش مرکز خرید در ناها اوکیناوا: توجه به اهمیت سایه.
۹	بالکریشنا دوشی	• مؤسسه گاندی در احمدآباد، هندوستان (۸۴-۱۹۸۰).
۱۰	راج روال	• مسکن دهکده المپیک در هندوستان (۱۹۸۲).
۱۱	معماران غیر بومی در کشورهای حوزه خلیج فارس (تجارب دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ میلادی)	• طراحی با رویکرد منطقه‌گرایی تعاملی و ویژگی‌های زیر: • بیان استعاره‌ای فرم، نمود فناوری مدرن، هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی، توجه به ویژگی‌های سایت، توجه به اصول معماری اسلامی، به‌کارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی، الهام از مفاهیم خاص منطقه‌ای. • پروژه‌ها: فرودگاه طهران، هتل و مرکز همایش، برج‌های آب کویت، ساختمان مجلس ملی کویت (شکل ۲)، ترمینال حج (جده)، فرودگاه بین‌المللی سلطان خالد، بانک بازرگانی، دانشگاه برمک، وزارت امور خارجه، دانشگاه قطر، موزه ملی منامه، بانک توسعه اسلامی (ریاض)، قصر طویق، سفارت فرانسه (مسقط)، آکادمی پلیس (کویت) (شایان و همکاران، ۱۳۸۸).
۱۲	مشاور پایت (با همکاری محسن خادم مشاور ایرانی‌الاصل شرکت)	• دانشگاه آقاخان و مجموعه بیمارستان کراچی (شکل ۴): • تهویه طبیعی با استفاده از تجربیات محلی مانند: سطح ارتفاع سقف، بادگیرها، صفحات مشبک چوب و سفال و نوعی بافت خاص کرکره‌ای راه‌راه برای گسترانیدن سایه‌های باریک روی سطح و کاهش تأثیر شدت آفتاب، استفاده‌های متنوع از آب چه به عنوان عنصری خنک‌کننده و تلطیف‌کننده هوا و چه در مقیاس عنصری تزئینی و صفحه‌ای انعکاس‌دهنده، استفاده از الگوی فضایی حیاط مرکزی در سازمان‌دهی به صورت متناوب، رویکردی غیرمستقیم به معماری محلی (ایل، ۱۳۸۷، ۳۲۴).



شکل ۱. مجموعه فرهنگی ژان ماری تجیبائو، طرح رنزو پیانو. (ماخذ: طاهری، ۱۳۷۸، ۶۱)



شکل ۳: دفتر معماری سنگات در احمد آباد هند، ۱۹۷۹-۱۹۸۱: طرح بالکریشنا دوشی. (Greatbuildings, 2013)



شکل ۲: مجلس کویت، طرح یرن اتزن. (Danishteakclassics, 2013)



شکل ۴: دانشگاه و بیمارستان آفاخان، کراچی، پاکستان، ۱۹۸۵، طراح: مهندسین مشاور پاپت. (ابن، ۱۳۸۷، ۳۲۴)

۱- نتیجه گیری

را در زمانهٔ پسامدرن دستخوش تحولات گسترده نموده است. شناخت و تحلیل منطقی این پدیده به منظور بهره‌مندی از مزایا و مدیریت چالش‌های احتمالی در دوران معاصر، امری حیاتی به نظر می‌رسد. نگرانی از عرضهٔ تصویری فریبنده و تحریف‌شده از فرهنگ‌های بومی در پشت پردهٔ فرهنگ جهانی، تحمیل ذائقه‌ها و سانسور اثر هنری و معماری جهت هماهنگی با معیارهای جهانی، ایجاد نوعی یکسانی کسالت‌آور و از دست رفتن روح مکان، بخشی از چالش‌های ناشی از

جهانی‌سازی فرایندی پیچیده، چندوجهی و اجتناب‌ناپذیر است که فشرده‌گی فزایندهٔ زمان و مکان، افزایش آگاهی جهانی، قابلیت پذیرش و درک دیگری، تشدید و تقویت تعاملات بین فرهنگی و ترکیب امرام و امرخاص را به صورت نسبتاً آگاهانه دربر می‌گیرد. این پدیده دارای پیشینهٔ تاریخی طولانی است، اما وسعت و شتاب تأثیرگذاری آن در دهه‌های اخیر آن‌را متمایز ساخته، به‌طوری‌که تمامی عرصه‌های زندگی



شکل ۵. مدل تحلیلی تعامل جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی.

۱- فهرست مراجع

۱. آغداشلو، آیدین. (۱۳۸۵). هنر جهانی است. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۳۳۳-۳۳۶.
۲. ایل، کریس. (۱۳۸۷). معماری و هویت. (فرح حبیب، مترجم). تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۷).
۳. ابراهیمی، سمیه؛ و اسلامی، غلامرضا. (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار. مجله هویت شهر، ۴ (۶)، ۳-۱۴.
۴. بازیدی، قادر؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح؛ و مختاباد امرئی، مصطفی. (۱۳۹۲). جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آنها در معماری معاصر. نشریه نقش‌جهان، مطالعات نظری و فناوریهای نوین معماری و شهرسازی، ۳ (۱)، ۷-۱۸.
۵. بسکی، سهیلا. (۱۳۷۷). گفتگو با پل آندرو. مجله معمار، (۲)، ۲۵-۳۲.
۶. بلخاری، حسن. (۱۳۸۵). هنر و معماری اسلامی، قابلیت‌های جهانی تأثیر هنر و معماری اسلامی بر هنر و معماری اروپا و آمریکا. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۳۶۵-۳۸۲.
۷. بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۷). هویت شهر: نگاهی به هویت شهر تهران. تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، نشر شهر.
۸. تامپسون، جان. ب. (۱۳۸۰). رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه اجتماعی رسانه‌ها. (مسعود اوحدی، مترجم). (چاپ اول). تهران: انتشارات سروش.
۹. ترابی، سید محمد. (۱۳۸۵). جهانی‌شدن و فرهنگ‌های قومی. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۱۴۱-۱۴۸.
۱۰. توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۵). بررسی گفتمان‌های غالب در بحث جهانی‌شدن. نامه علوم اجتماعی، ۲۷ (۲)، ۱۵۷-۱۷۹.
۱۱. جنکینز، جنیفر. (۱۳۸۵). بازسازی کاخ شهری برلین: جهانی‌شدن میراث فرهنگی و گذشته پادشاهی برلین. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۲۹۷-۳۲۸.
۱۲. حبیب، فرح؛ و حسینی، اکرم. (۱۳۸۹). تحلیلی از معماری معاصر ایران در رویارویی با پدیده جهانی‌شدن. مجله هویت شهر، ۴ (۶)، ۳۸-۲۹.
۱۳. حسین‌زاده، آذین. (۱۳۸۵). هنر جهانی و فلسفه‌ی عصر روشنگری. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۶۱-۶۹.
۱۴. دانشگر، محمد. (۱۳۸۵). جهانی‌شدن، گستره زبان و ادبیات فارسی و چالش‌های پیش‌رو. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۳۸۷-۳۹۸.
۱۵. دیبا، داراب. (۱۳۸۲ الف). هنر گفت و گو - چارلز جنکس و داراب دیبا. فصلنامه معماری شهرسازی، (۷۰-۷۱)، ۷۰-۷۷.
۱۶. دیبا، داراب. (۱۳۸۲ ب). هنر گفت و گو - رابرت ونتوری، دنیز اسکات براون و داراب دیبا. فصلنامه معماری و شهرسازی، (۷۲-۷۳)، ۸۴-۹۱.
۱۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی. مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲ (۵)، ۹۹-۱۱۶.
۱۸. رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۵). جهانی‌شدن - تئوری‌های اجتماعی و

جهانی‌سازی به حساب می‌آیند. اما جهانی‌سازی فرصت‌های زیادی را نیز به همراه دارد. در عرصه فرهنگ، جهان معاصر هم دربرگیرنده عامیت و همگونی است و هم دربرگیرنده خاصیت و ناهمگونی. جهانی‌شدن بستری برای جهانی‌شدن فرهنگ‌های خاص و بومی و محلی‌شدن عناصر فرهنگ جهانی فراهم می‌کند. فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی وارد داد و ستدی پیچیده می‌شوند تا در عین حفظ خاصیت خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز بهره‌مند شوند. عرصه اقتصاد نیز از یک‌سو با عرضه جهانی و عام شرکت‌های چند ملیتی و از سوی دیگر با تقاضای محلی و خاص مواجه است و این به معنی لزوم طراحی محصول بر حسب شرایط خاص منطقه‌ای برای جذب مصرف‌کننده و برقراری تعامل جهانی-منطقه‌ای است. در عرصه سیاسی، نظریه هم‌سوئی منطقه‌گرایی با جهانی‌شدن مطرح است که بر اساس آن، منطقه‌گرایی تعدیل‌کننده جهانی‌سازی بوده و بین آنها رابطه‌ای دوسویه برقرار است.

در عرصه هنر و معماری، احیای هنر و ارزش‌های محلی (مانند توجه مجدد به فرش با طرح درشت‌بافت ایران، توجه به زندگی و معماری عشایری، توجه به مناظر روستایی)، بازسازی محدوده تاریخی شهرها در راستای تبدیل آنها به شهری جهانی (از جمله برلین)، توجه هم‌زمان به رویاهای محلی و جهانی (از جمله در شهر سئول با مشخص کردن چهار چشم‌انداز برای آینده شهر شامل یک شهر تاریخی، انسانی، فرهنگی و جهانی)، توجه به ارزش‌ها و شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی و زیست بوم منطقه در سایه درک عمیق شرایط زمان و مکان در آثار معماران خلاق معرفی شده در جدول ۶ هم‌زمان با بهره‌مندی و استفاده از قابلیت‌های جهانی، همگی نشان از تعامل سازنده جهانی-منطقه‌ای دارند. تنها هنرهای بومی‌ای می‌توانند در این گفتمان جهانی شرکت کنند که صرفاً هنری موزه‌ای نباشند و دائماً از درون و گاه با وام‌گیری از بیرون متحول شوند. تحلیل محتوای متن و داده‌های گردآوری شده در عرصه‌های عام اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نیز عرصه خاص هنر و معماری، نشان از وجود هم‌زیستی میان فناوری و ویژگی‌های مکانی و تأثیر هم‌زمان آنها بر معماری معاصر دارد که در سایه برقراری تعاملی خلاقانه، نوعی معماری پیوندی شکل خواهد گرفت که ضمن احیا و تقویت ارزش‌های منطقه‌ای، مزایای جهانی را نیز به همراه داشته و به ایجاد بستر مناسب برای حضوری پویا و ایفای نقش مؤلف در معماری آینده کمک خواهد نمود.

۱- پی‌نوشت‌ها

- 1- Ronald Robertson
- 2- Anthony Giddens
- 3- Durkheim
- 4- Parsons
- 5- Marshall McLuhan
- 6- Alexander Tzonis
- 7- Critical Regionalism
- 8- Lewis Mumford
- 9- Chris Abel

۳۵. منتظری، علی. (۱۳۸۵). فرهنگ و هنر در فرایند جهانی شدن. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۴۲۵ - ۴۳۱.
۳۶. موسوی، سید محمد علی. (۱۳۸۸). جهانی شدن و منطقه گرایی: انفکاک یا هم گرایی؟. فصلنامه بین المللی روابط خارجی، (۳)، ۱۱۹ - ۱۳۸.
۳۷. میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. نشریه هنرهای زیبا، (۱۹)، ۱۷-۲۶.
۳۸. نیکولتی، مانفردی. (۱۳۸۵). هنر ملی و منطقه ای در عصر جهانی شدن. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۴۰۴ - ۴۰۳.
۳۹. همتی، همایون. (۱۳۸۵). معانی و پیامدهای جهانی شدن برای فرهنگ و هنر. فصلنامه هنر، (۶۷)، ۲۷۰ - ۲۵۱.
40. Adam, R. (2008). *The Local and the Global: the new face of tradition in 1st conference on Zagros Traditional Settlements*. 30th April- 2nd May. Sanandaj: University of Kurdistan.
41. Bayzidi, Q., Etesam, I., Habib, F., Mokhtabad Amrei, S. M. (2013). An Investigation of Global-Regional Interactional Approach at the Prominent works of Contemporary Iranian Architects. *International Journal of Architecture and Urban Development (IJAUD)*, 3(2), 13-20.
42. Danishteakclassics. (2013). Retrieved June 22, 2013, from <http://www.danishteakclassics.com>
43. Eggener, K. L. (2002). Placing Resistance: A Critique of Critical Regionalism. *Journal of Architectural Education JAE*, 55(4), 228-237
44. Frampton, K. (2000). *Towards a critical regionalism in M. Miles* (Ed.), *The city culture reader*, Routledge.
45. Greatbuildings. (2013). Retrieved June 15, 2013, from http://www.greatbuildings.com/architects/Balkrishna_Doshi.html.
46. Paterson, S. (1995). Critical Analysis of Towards a Critical Regionalism by Kenneth Frampton. Retrieved April 15, 2013, From <http://home.earthlink.net/%7Eaisgp/texts/regionalism/regionalism.html>.
47. Tzonis, A. (2003). Introducing an architecture of the present. Critical regionalism and the design of identity in L. Lefaivre, & A. Tzonis (Ed.), *Critical regionalism: architecture and identity in a globalized world*. Prestel Verlag.
48. Wikipedia. (2013). Retrieved May 25, 2013, from http://en.wikipedia.org/wiki/Critical_regionalism
- فرهنگ جهانی. (کمال پولادی، مترجم)، تهران: نشر ثالث.
۱۹. رنای شورت، جان؛ و هیون کیم، یونگ. (۱۳۸۶). *جهانی شدن و شهر*. (احمد پوراحمد و شایان رستمی، مترجمان)، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۰. ریکور، پل. (۱۳۷۹). تمدن جهانی و فرهنگ های ملی. *مجله معماری و شهرسازی*، (۶۰-۶۱)، ۱۵.
۲۱. سینایی، وحید؛ ابراهیم آبادی، غلامرضا. (۱۳۸۴). کثرت گرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۵ (۲۵)، ۱۰۷ - ۱۳۹.
۲۲. سپهر راد، کتایون. (۱۳۸۵). هنر ایران و جهانی شدن، تقابل نوستالژی و کیچ. *فصلنامه هنر*، (۶۷)، ۲۳۵ - ۲۴۱.
۲۳. ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۵). جهانی سازی و موزه ای شدن هنر، جهانی شدن و پویایی سنت هنری. *فصلنامه هنر*، (۶۷)، ۱۸۷ - ۱۹۹.
۲۴. شایان، حمیدرضا؛ عینی فر، علیرضا؛ و دیبا، داراب. (۱۳۸۸). مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه: تحلیل منطقه گرایی در آثار معماران غیربومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس. *نشریه هنرهای زیبا*، (۳۸)، ۴۹-۶۰.
۲۵. شایگان، داریوش. (۱۳۸۱). *افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار*. (چاپ سوم). (فاطمه ولیانی، مترجم)، تهران: نشر فرزاد روز.
۲۶. شایگان، داریوش. (۱۳۷۹). آمیزش افق ها / نامه به نسل های آینده. *مجله معماری و شهرسازی*، (۶۰-۶۱)، ۱۱-۱۴.
۲۷. ضیمران، محمد. (۱۳۸۵). جهانی شدن و جهان انگاری در هنر و ناکسندی های آن. *فصلنامه هنر*، (۶۷)، ۵۱ - ۶۰.
۲۸. طاهری، فرزانه. (۱۳۷۸). رنتسو پیانو، مرکز فرهنگی ژان ماری تجیباثو. *مجله معمار*، (۴)، ۶۰-۶۹.
۲۹. عبادیان، محمود. (۱۳۸۵). هنر، تطور و چشم انداز فرهنگی آن. *فصلنامه هنر*، (۶۷)، ۲۱ - ۲۹.
۳۰. قاری پور، محمد؛ و شایان، حمیدرضا. (۱۳۷۹). مصاحبه با کیشو کوروکاو. *مجله معماری و شهرسازی*، (۶۰-۶۱)، ۴۱-۴۸.
۳۱. کچویان، حسین. (۱۳۸۶). نظریه جهانی شدن ترکیبی مسئله ساز از دو کلان - روایت تاریخ تجدد. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۲ (۳۲)، ۵۵ - ۸۹.
۳۲. کیمانی انجوگو، سیمون. (۱۳۸۵). آثار هنری در عصر جهانی شدن. *فصلنامه هنر*، (۶۷)، ۱۰۹ - ۱۱۹.
۳۳. گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). *جهانی شدن فرهنگ هویت*، تهران: نشر نی.
۳۴. محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۷). بازار پیام و آینده ارتباطات میان فرهنگی. *نامه علوم اجتماعی*، ۵ (صفر). ۱-۲۲.

at modifying traditional prejudiced thoughts, strengthening an interactional approach and creating variety as well as enjoying universal privileges (critical regionalism, interactional regionalism and bioregionalism). Therefore, there proves to be a mutual relationship between these phenomena. The coexistence between technology and cultural identity (place) in architecture leads to the formation of a type of hybrid architecture enjoying universal privileges and regional indices (global- local).

Keywords: Globalization, Regionalism, Global- regional interaction, Hybrid architecture.

Globalization and Regionalism in Contemporary Architecture: Interaction or Mutuality

Qader Bayzidi , Ph.D., in Architecture, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Iraj Etesam, Ph.D., Professor, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Farah Habib, Ph.D., Professor, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Seyed Mostafa Mokhtabad Amrei, Ph.D., Professor, Department of Dramatic Literature, Faculty of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

A complicated, multilateral and unavoidable process, globalization semiconsciously covers growing temporal and spatial integration, dissemination of knowledge, ability to understand the others, strengthening intercultural interactions and integration of universal and local affairs, and consequently, introduces further development into social arena in the postmodern era. On one hand, formation of a global village and growing mutual effects in the world of architecture have led to concerns over domination of universalism and homogeneity, losing the soul of the place and creating faults in local identities. On the other, regionalism in architecture centers on preserving special characteristics of space and showing dissimilarities, and prioritizes special regional identity over universal characteristics. Definition of regionalism covers a wide spectrum due to its diversity and the course of events in different approaches to this theory, but generally, it is claimed that ecological features, climate conditions, social and cultural conditions and local customs are among important features of regionalism. Regionalism is an approach to coordinating the influence of global civilization with special local features. In another words, since man is an heir and creator of global culture as well as possessing a regional culture, he has to quiver knowledge of the interaction between both of them. Supporters of such theory believe that architecture has to reflect the features of the self and be independent of an emotional view point of region, tradition and history. The present paper attempts to investigate the relationship between globalization and current regional based approaches in the field of contemporary architecture. The research method is descriptive-analytical by using content analysis technique. Economic arena, on one hand, faces universal and global supply of multinational companies, and deals with local demand, on the other. This emphasizes the need for designing products in line with special regional circumstances in order to attract consumers and establish a global-regional interaction. In politics, there is an alignment theory of globalization and regionalism that based on which regionalism moderates globalization and both enjoy a mutual relationship. In culture, contemporary world covers both universalization and homogeneity and localization and heterogeneity. Globalization provides a bed for universalization of local culture and localization of global culture. Local cultural systems enjoy a complex relationship with global culture to have its privileges. The results show that on one hand, the multilateral nature of globalization indicates that it enjoys an alignment of homogenous and heterogeneous approaches in such a way that it recognizes variety, pluralism and heterogenic and prepares the ground for special cultural and architectural identities and values. On the other, having shifted from nativist approaches and emphasis on physical interpretations and stylistic, structural and aesthetic issues towards modern approaches and social, cultural issues, ecosystem and interpersonal relationships, regionalism aims

* Corresponding Author: Email: q_Bayzidi @iausdj.ac.ir